



ساخت اجتماعی و هویتی متعارض و عودشوندگی بحران در روابط ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی

پدیدآورنده (ها) : نادری، عباس؛ احمدیان، قدرت؛ دانش نیا، فرهاد

علوم سیاسی :: نشریه سیاست و روابط بین الملل :: بهار و تابستان ۱۴۰۰، سال پنجم - شماره ۹

صفحات : از ۱۴۲ تا ۱۵۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1879841>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تاثیر سرمایه اجتماعی بین‌المللی بر روابط ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی
- بررسی نقش مولفه‌های هویتی در روابط ج.ا. ایران و اتحادیه اروپا پس از انقلاب اسلامی
- واکاوی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران
- نیروی اجتماعی و تأثیر آن بر شرایط پس از پیروزی در انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران
- روابط دوجانبه فرهنگی و اجتماعی ایران و ایالات متحده آمریکا از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹-۱۸۲۹ میلادی)(نوع مقاله: پژوهشی)
- تبیین تاثیر انگار ههای هویتی بر واگرایی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی
- ابعاد نفوذ امریکا در ایران(۱۹۷۹-۱۹۵۳)و پیامدهای آن در شکل گیری روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی
- روابط ایران و سازمان ملل پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- روابط سینوسی ایران و انگلیس پس از انقلاب اسلامی
- بررسی روابط خارجی ایران و قطر پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۲۰۰۵ - ۱۹۷۹)

علمی پژوهشی

ساخت اجتماعی و هویتی متضاد و عودشوندگی بحران در روابط ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی

عباس نادری^{۱*}، قدرت احمدیان^۲، فرهاد دانش نیا^۳

^۱ دانشجوی دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه رازی، تلفن ۰۹۱۹۰۹۱۹۶۰۴ و ۰۹۱۸۳۳۶۰۶۱۷ شماره تلفن ثابت ۰۸۳۳۸۴۶۱۰۴۴ آدرس الکترونیک naderi.abbas45@gmail.com
^۲ استاد راهنما، دانشیار روابط بین الملل گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه رازی، شماره تلفن همراه ۰۹۱۸۴۲۳۶۲۸۰ آدرس الکترونیک gahmadian@razi.ac.ir
^۳ استادمشاور، دانشیار روابط بین الملل گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه رازی، شماره تلفن همراه ۰۹۱۲۵۷۹۸۱۱۷ آدرس الکترونیک f.dnshn@razi.ac.ir



10.22080/JPIR.2022.21435.1230

چکیده

ایران و عربستان دو بازیگر کلیدی غرب آسیا و جهان اسلام بوده که روابط آن‌ها تا قبل از انقلاب اسلامی، علی‌رغم رقابت‌های کم‌دامنه، از همگرایی و ثبات نسبی برخوردار بود. اما با وقوع انقلاب اسلامی روابط دو کشور با بحران و عودشوندگی بحران مواجه شده است. پرسش اصلی مقاله‌ی حاضر این است که دلایل و زمینه‌های عودشوندگی بحران در روابط ایران و عربستان چیست؟ برای پاسخ، پژوهشگران این ایده و فرضیه را مورد بررسی قرار داده که عودشوندگی بحران محصول ژرف‌ساخت اجتماعی و هویتی متضاد و واقعیت‌های معکوس در دو کشور بوده، برای این منظور از سامانه‌ی ساخت اجتماعی و تئوری سازه‌نگاری استفاده می‌شود. داده‌های پژوهش نیز حاکی‌ست که عودشدن بحران‌های متوالی تابعی از ژرف‌ساخت‌های اجتماعی و هویتی متضاد و کنش‌های کلامی منازعه‌آمیز نخبگان سیاست و دیانت دو کشور بوده است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی و توصیفی می‌باشد.

تاریخ دریافت:

۱۳ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۴ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۱۰ خرداد ۱۴۰۰

کلیدواژه‌ها:

بحران، ساخت اجتماعی، عودشوندگی، هویت.

* نویسنده مسئول: نویسنده مسئول

آدرس: دانشجوی دکترای جامعه شناسی سیاسی دانشگاه رازی

ایمیل: naderi.abbas45@gmail.com

تلفن: ۰۹۱۹۰۹۱۹۶۰۴

۱ مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی سیاست خارجی ایران در سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای به‌ویژه با همسایگان و به‌طور خاص با عربستان سعودی را دچار تغییر و تحول اساسی نمود. سعودی‌ها در مواجهه با انقلاب، ابتدا رویکرد سکوت و سپس راهبرد حفظ روابط دوستانه (که با رژیم پهلوی داشتند) را اتخاذ نمودند. اما ماهیت اسلامی و سایر ویژگی‌های بنیادی انقلاب ازجمله باور به صدور انقلاب و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش از مهم‌ترین دلایلی بودند که رهبران جمهوری اسلامی نه‌تنها تمایلی به نزدیکی با پادشاهی عربستان نداشتند؛ بلکه از صدور ارزش‌ها و آرمان‌های اسلام انقلابی به کشورهای منطقه حمایت می‌کردند. با افتتاح دفتر آزادی‌بخش شبه‌جزیره در تهران و وقوع قیام‌های جهیمان العتیبی و شیعیان سعودی، که هر یک به گونه‌ای متأثر از ایده‌های امام خمینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی بودند، سعودی‌ها راهبرد عمل‌گرایانه‌ی کنترل و مهار انقلاب اسلامی را اتخاذ کرده؛ لذا به‌محض تهاجم نظامی عراق به ایران، سعودی‌ها ضمن اعلام پشتیبانی از عراق، در طول هشت سال جنگ، با تمام توان به حمایت همه‌جانبه از عراق پرداختند. همان‌طوری‌که بررسی روند مناسبات دو کشور نشان می‌دهد، از آن زمان تاکنون، روابط دو کشور در وضعیت عودشوندگی قرار گرفته و بحران‌ها یکی پس از دیگری بر روابط دو کشور حاکم بوده است و تلاش‌های سیاستمداران محافظه‌کار دو طرف نیز صرفاً نقش شیمی‌درمانی و جلوگیری از فرایند متاستاز و فراگستری سلول‌های بدخیم عمل کرده و نتوانسته است به درمان قطعی سلول‌های بدخیم بپردازد و پس از مدتی بیماری مجدداً عود و بحران بر روابط آن‌ها حاکم شده است. اثرات مخرب این روابط پرآشوب و بحران‌ها تا جایی پیش رفته که دولت سعودی و سایر دول کوچک خلیج فارس، نه‌تنها مسأله‌ی خصومت ماهیتی و تاریخی اعراب با رژیم صهیونیستی را به فراموشی سپرده و ایران را به‌جای آن رژیم به دشمن شماره یک اعراب تبدیل کرده‌اند؛

بلکه از این هم فراتر رفته و متحد رژیم صهیونیستی علیه ایران شده‌اند. ازاین‌رو، شناخت دلایل و زمینه‌های بحران و تبیین علمی آن، از اهداف این پژوهش بوده که قطعاً از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا که عودشدن بحران تبعات بسیار مخرب چندبعدی و چندسطحی برای دو کشور و دولت‌های منطقه در بر داشته و حتی ممکن است در صورت تعمیق، تعمیم و تداوم آن، روابط آتی دو کشور صحنه‌ی رویارویی مستقیم نظامی و زاینده‌ی حوادث هولناک و غیرقابل‌پیش‌بینی شود. ازاین‌رو، دلایل و زمینه‌های عودشوندگی بحران و پرهزینه بودن آن، یکی از دغدغه‌های نگارندگان این پژوهش بوده است. سؤال اصلی پژوهش این است که دلایل و زمینه‌های بحران و عودشوندگی آن در روابط ایران و عربستان چیست؟ برای پاسخ به سؤال پژوهش، نگارندگان سعی دارند این ایده و فرضیه را مورد بررسی قرار دهند که عودشوندگی بحران در روابط ایران و عربستان محصول ساخت‌های اجتماعی و هویتی متضاد و معکوس دو کشور و کنش‌های گفتاری تخاصمی مقامات ایران و عربستان است. بر این اساس، تلاش می‌شود تا با روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از سامانه‌ی نظری ساخت اجتماعی و هویتی و کنش کلامی به تبیین علمی، واقع‌بینانه و فارغ از هرگونه تعصب پرداخته شود. مقاله در سه بخش ارائه خواهد شد که در بخش اول به چارچوب نظری پرداخته می‌شود. در بخش دوم مسأله‌ی پژوهش یعنی عودشدن بحران در روابط ایران و عربستان واکاوی می‌شود و در بخش سوم با مراجعه به رویکردهای اجتماعی به‌ویژه ساخت اجتماعی، هویتی و کنش کلامی به‌عنوان یک مدل روشی-نظری تلاش خواهد شد تا زمینه‌ها و دلایل عود کردن بحران در روابط ایران و عربستان تبیین شود و در پایان، نتیجه‌گیری لازم ارائه خواهد شد.

۲ پیشینه‌ی پژوهش

به‌طور کلی آثاری را که در زمینه‌ی روابط ایران و عربستان موجود است می‌توان به دو دسته تقسیم

۳ چارچوب نظری

چارچوب روشی-نظری این اثر به گونه‌ای انتخاب شده که بیشترین تناسب منطقی و رابطیه منسجم بین اصول و مفروضه‌های نظریه از یک طرف و خصیصه‌های پدیده از طرف دیگر وجود داشته باشد تا نگارندگان بتوانند یک تجزیه و تحلیل منطبق بر واقعیت از آن پدیده ارائه نمایند. ازاین رو، سامانه‌ی ساخت اجتماعی و نظریه‌ی سازهانگاری و کنش گفتاری که مکمل هم هستند به عنوان چارچوب نظری این پژوهش انتخاب گردید.

۳/۱ ساخت اجتماعی

ساخت اجتماعی به معنای آفریدن معنا از طریق فعالیت‌های مشترک افراد تعریف شده است (گرگن، ۱۳۸۲: ۳). بدین معنی، جهان اجتماعی ساخته‌ی ارتباطات و تعاملات افراد است و هر آنچه در جامعه به منزله‌ی واقعیت احساس و درک می‌شود آفریده‌ی کنش متقابل اجتماعی افراد و گروه‌هاست (گرگن، ۱۳۸۲: ۳). از این منظر تفکر نیز محصول جانبی در روابط است و زبان و گفتمان‌ها نقشی اصلی در برساختن واقعیت‌ها دارند. ازاین رو، اکثر اختلاف‌ها میان انسان‌ها به روند معناسازی برمی‌گردد. بنابراین، هرچه گفتمان‌ها پربارتر باشند، توانایی‌های افراد برای برساختن واقعیت‌های همساز بیشتر می‌شود؛ بدین معنی که زبان در شکل‌گیری واقعیت‌های سازگار یا ناسازگار نقش اساسی دارد. از منظر ساخت اجتماعی، واقعیت‌ها اساساً به اعتبار نسبت اجتماعی‌شان قابل توجیه هستند. به قول پاسکال^۴: «آنچه در یک سوی کوه‌های پیرنه حقیقت است در سوی دیگر خطاست» (برگر و لاکمن، ۱۳۹۴: ۱۲). ازاین رو، براساس دیدگاه ساخت اجتماعی، جهان چیزی تلقی می‌شود که بر اثر تعاملات ساخته شده است، بدین معنی همه‌ی کنش‌های انسانی در فضای اجتماعی شکل می‌گیرند و معنا پیدا می‌کنند و این معناسازی است که

کرد: دسته‌ی اول، آثاری که از منظر رئالیسم با دیدگاه مادی‌گرایانه به تجزیه و تحلیل روابط دو کشور پرداخته‌اند که غالب آثار موجود را تشکیل می‌دهند؛ ازجمله‌ی این آثار می‌توان به مقاله‌ی یاسر نورعلی‌وند تحت عنوان «عربستان سعودی تلاش برای موازنه‌سازی» و مقاله‌ی «ایران و عربستان رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه» از آرمینا آرام و همچنین کتاب «توازن نظامی در خلیج فارس از آنتونی کردزمن»^۲ و مقاله‌ی آریل جانر تحت عنوان «عربستان سعودی و ایران: منازعه برای قدرت و نفوذ در خلیج (فارس)» اشاره کرد. دوم، آثاری که بسیار معدود بوده و از منظر غیرخردگرایی ازجمله سازهانگاری به بررسی مناسبات ایران و عربستان پرداخته‌اند. در این خصوص می‌توان به مقاله‌ی «سازهانگاری و منطق تعارض ایران و عربستان» از محمدرضا دهشیری اشاره کرد. اما اثری که روابط دو کشور را از منظر ساخت اجتماعی و هویتی و کنش کلامی تبیین کرده باشد، یافت نشد و از این نظر پژوهش حاضر اثری بی‌نظیر است. نوآوری این اثر در این است که اساس روابط دو کشور را برپایه‌ی ساخت اجتماعی و هویتی متضاد و در نتیجه واقعیت‌های ناسازگار و معناهای ناهمگون تبیین نموده است. ازاین رو، روابط دو کشور به یک بیماری با سلول‌های بدخیم تشبیه شده که تمایل به فراگستری و عودشوندگی دارد؛ بنابراین تلاش سیاستمداران محافظه‌کار دو کشور به منظور مهار فرایند متاستاز^۳ (فراگستری بحران) به شیمی‌درمانی تعبیر شده است. افزون بر این، تنش‌های کلامی نخبگان سیاسی و دینی دو کشور به منزله‌ی افعال و کنش‌های گفتاری فرض شده که پژواک و انعکاس این تنش‌های گفتاری در عودشدن بحران بسیار جدی تلقی شده است.

^۳-Metastasis

^۴ - Bliase pascal

^۱ -The Gulf Military Balance

^۲ - Anthony H. cordsman

سازهانگاران را تشکیل می‌دهد. آن‌ها اساساً کانون بحث را در حوزه‌ی روابط بین‌الملل، از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کرده‌اند. هستی‌شناسی از این جهت حائز اهمیت ویژه‌ای است که بیان می‌کند ما درباره‌ی حیات بین‌الملل چگونه باید عمل کنیم و چگونه باید راجع به آن بیندیشیم (Wendt, 1999: 56). هستی‌شناسی سازهانگاری سه گزاره‌ی مهم دارد: اول، ساختارهای فکری و هنجاری به اندازه‌ی ساختارهای مادی دارای اهمیت هستند. دوم، هویت‌ها در شکل‌دهی منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند. سوم، ساختار و کارگزار به‌طور متقابل به همدیگر شکل می‌دهند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۹).

انگاره‌ها و هنجارها

ونت بر این باور است که در نظریه‌پردازی در سیاست بین‌الملل بایستی نقطه‌ی عزیمت خود را توزیع انگاره‌ها و به‌ویژه فرهنگ، در درون نظام قرار دهیم، سپس نیروهای مادی را وارد کنیم؛ نه برعکس. بدین معنی سازهانگاری ضمن اینکه نیروهای مادی را نادیده نمی‌گیرد، بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارد (Steve, 2013: 168).

این نظریه در گام نخست به این مسأله می‌پردازد که در وهله‌ی نخست انگاره‌ها تا چه حد در تکوین آن علل به ظاهر مادی نقش دارند؟ از منظر تکوین‌گرایی بر نهاد اصلی این است که معنای قدرت و محتوای منافع عمده‌تاً تابعی از انگاره‌ها است؛ ازاین‌رو بر معرفت و آگاهی انسانی و جایگاه آن در امور جهان تمرکز دارد و از نگاه تک‌بعدی و صرف مادی خردگرا اجتناب می‌کند؛ بدین معنی جنبه‌ی مهم روابط بین‌الملل بعد مادی آن نیست؛ بلکه بعد معنایی آن است و عینیت مادی آن هم خارج از معرفت انسانی نیست. لذا برای تبیین سیاست و روابط بین‌الملل بایستی بر ایده‌ها و عقایدی که آگاهی‌دهنده و مرکز ثقل درک مشترک بین کنشگران عرصه‌ی نظام بین‌الملل است، تمرکز کرد (Wendt, 1999: 94) اونف دیگر چهره‌ی برجسته‌ی سازهانگاری معتقد است که بدون قواعد و هنجارها،

کم‌وبیش به واقعیت جهان شکل می‌دهد (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۸). اندیشمندان این نظریه، ضمن رد نگاه مادی‌گرایانه و تک‌بعدی خردگرا معتقداند که جنبه‌ی مهم در روابط بین‌الملل بُعد مادی آن نیست؛ بلکه بعد اجتماعی آن است. دنیای اجتماعی و سیاسی ازجمله دنیای روابط بین‌الملل یک مجموعه‌ی فیزیکی یا عینیت مادی خارج از معرفت انسانی نیست. لذا در مطالعه‌ی روابط بین‌الملل ابتدا باید بر ایده‌ها و عقایدی که آگاهی‌دهنده‌ی بازیگران در عرصه‌ی بین‌المللی و فراهم‌کننده‌ی درک مشترک بین آن‌ها است، تمرکز کرد (Jackson, 2013: 328-329). سامانه‌ی ساخت اجتماعی بر رابطه‌ی میان اندیشه‌ی آدمی و زمینه‌ی اجتماعی که این اندیشه در آن شکل گرفته و منشأ رفتار و کردار شده است، تأکید دارد. ازاین‌رو، اندیشمندان ساخت اجتماعی، واقعیت را ساخته و پرداخته‌ی جامعه می‌دانند. بدین معنی، سیاست و روبرو بین‌الملل و پدیده‌های سیاسی و اجتماعی ازجمله بحران، به‌عنوان واقعیت‌های موجود برساخته‌های جوامع انسانی هستند.

۳،۲ سازهانگاری

سازهانگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی معرفت مطرح بوده است. ریشه‌های آن در جامعه‌شناسی به مکتب شیکاگو و پدیدارشناسی برمی‌گردد. در این نگرش نیز بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌شود. این تئوری تحت عناوین برساخت‌گرایی اجتماعی، تکوین‌گرایی و سازهانگاری اجتماعی از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ در تقابل با نظریه‌های خردگرای جریان اصلی، وارد حوزه‌ی روابط بین‌الملل شد و بسیاری را بر آن داشت که این تئوری را یک واکنش تهاجمی علیه نوواقع‌گرایی و مفروضه‌های اصلی آن فرض کنند (Capeland, 2000: 187). مباحث اصلی این نظریه در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳،۲،۱ هستی‌شناسی

هستی‌شناسی یکی از دو بحث اصلی در مباحث فرانظری است که به‌وضوح کانون اصلی توجه

کردارها معنای اجتماعی ندارند (Onuf, 1994: 7-8). یعنی همه‌ی کنش‌ها و رفتارها در سیاست خارجی کشورها و روابط بین‌الملل براساس معنایی‌ای که در چارچوب هنجارها به آن‌ها داده می‌شود، صورت می‌گیرد. درواقع، این انگاره‌ها و هنجارها هستند که به واقعیت‌های مادی معنا و مفهوم می‌بخشند و روندهایی را ایجاد می‌کنند که باعث تغییر رفتار دولت‌ها می‌شوند. ازاین‌رو، ونت بر معنا تأکید خاصی دارد و در پاسخ به این سؤال که آیا تماس دست با صورت یک نفر تنبیه است یا تشویق؟ بر این باور است تا زمانی که ما نتوانیم معنی عمل را درک کنیم، جواب سؤال را نمی‌دانیم. ونت این مهم را چنین جمع‌بندی می‌کند؛ «درک ذهنی» ویژگی خاص دانش جامعه‌شناختی است و سازه‌انگاری مبتنی بر چنین بینشی بر اهمیت «معنا» و «درک» تأکید دارد. به‌طور کلی، فهم متعارف از سیاست بین‌الملل بایستی تابع انگاره‌های مشترک باشد؛ نه سرشت ذاتی بشر یا آنارشی.

هویت

هویت^۱ کنشگران یکی از عناصر و مباحث اصلی هستی‌شناختی رهیافت سازه‌انگاری است. هویت به معنی فهم و انتظارات از خود تعریف شده است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۳۲)؛ یعنی مجموعه‌ی آگاهی یک کنشگر از خصوصیات، مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و زیستی مشترک که در ظرف یک زمان و مکان معین، آن‌ها را از سایر گروه‌ها و افراد

متمایز می‌سازد. از نظر سازه‌انگاران هویت کنشگران، یعنی کیستی و چیستی آنان را هنجارها، ارزش‌ها و ایده‌های نهادینه در محیط آن‌ها شکل می‌دهد و متعاقب شکل‌گیری این هویت است که کنشگران می‌توانند؛ (۱) منافع‌شان را تعریف کنند و (۲) کنش‌ها را برای رسیدن به آن منافع شکل بدهند.

ساختار- کارگزار

سازه‌انگاری ضمن نفی دوگانگی ساختار و کارگزار تحت تأثیر آرای گیدنز، اولویت به یکی از آن دو نمی‌دهد و بر قوام‌بخشی ساختار و کارگزار تأکید دارد.

آنارشی

از منظر سازه‌انگاری، آنارشی^۲ به معنای فقدان اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل، وضعیتی است که به‌واسطه‌ی فرهنگ‌ها و انگاره‌ها برساخته می‌شود؛ بنابراین فاقد منطق خاص یا نقش مستقل در روابط بین‌الملل است. ونت به سه گونه فرهنگ و به‌تبع آن به سه نوع آنارشی، هابزی، لاکي و کانتی که به‌ترتیب مبین دشمنی، رقابت و دوستی هستند، باور دارد (wendet, 1999; 247) ازاین‌رو، معمای امنیتی نیز بستگی به نوع نگاه دو بازیگر نسبت به هم‌دیگر برساخته می‌شود.

لذا از دیدگاه ساخت اجتماعی و سازه‌انگاری، رویکردهای سیاست خارجی براساس مدل ذیل برساخته می‌شوند.

¹ - Identity

² - Anarchy



۳،۳ کنش گفتاری

کنش گفتاری عنوان نظریه‌ای در زبان‌شناختی است که در ۱۹۳۰ به وسیله فیلسوف انگلیسی جان آستین^۱ ارائه شد (Jerbic, 2015: 36). درواقع، این نظریه‌ی زبانی با تحلیل انواع مختلف کارهایی که می‌توانیم با کلمات انجام دهیم، سر و کار دارد (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۶۳). واضعان مکتب کپنهاک نیز از کنش کلامی برای امنیتی کردن موضوعات بهره گرفته‌اند. در سامانه‌ی ساخت‌گرایی اجتماعی و سازه‌انگاری زبان و کارکرد آن یکی از مباحث جدی بوده، به گونه‌ای که زبان و واژه‌ها، عامل معناسازی و برساننده‌ی واقعیت‌ها و تعیین‌کننده‌ی کنش‌ها هستند. از این رو، نیکلاس اوف از پیشروان نظریه‌ی سازه‌انگاری با تکیه بر کنش کلامی، میان نیت سخنگویان و فعالیت زبانی تحت حاکمیت قواعد ارتباط برقرار می‌کند. او رویکرد مبتنی بر پیوستگی و پیوند عمیق زبان و عمل را در روابط بین‌المللی اتخاذ می‌کند؛ از این رو، کنش‌های گفتاری هر یک از بازیگران نظام بین‌الملل را بخشی جدایی‌ناپذیر از کنش‌های سیاست خارجی فرض کرده است. بنابراین، کنش‌های کلامی قادر به گشودن رویکردهای مختلف مسالمت‌آمیز و دوستانه یا خشونت‌آمیز و دشمنانه در روابط بین‌الملل هستند. اوف میان سه نوع کنش کلامی و سه نوع قاعده پیوند برقرار می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۲۸). به نظر

او میان سه نوع کنش کلامی آموزنده، پیشوایانه و تعهدی با سه نوع سه قاعده‌ی هژمونی، پیشوایانه (هدایتی) و تعهدی انعطاف‌ناپذیر (که موجب ناهمگونی نظم می‌شود) تقارن وجود دارد. زمانی که کنش کلامی تعهدی با قاعده‌ی هترونومی^۲ منطبق شود، منجر به شکل‌گیری ساختارهای ناهمگون و ناساز می‌شود. در این صورت، روابط بین بازیگران را با تنش و تعارض مواجه می‌سازد. از این رو، کنش‌های گفتاری خصمانه و بی‌قاعده را بایستی از جمله دلایل و عوامل زمینه‌ساز بحران‌های بین‌المللی تلقی کرد.

۴ چرخه‌های گسترش و کاهش بحران در روابط ایران و عربستان پس از انقلاب اسلامی

به منظور نشان دادن عودشوندگی بحران در روابط دو کشور، مناسبات دو کشور را به پنج دوره تقسیم و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

۴،۱ حاکمیت دوگانه‌ی محافظه‌کاری و انقلابی‌گری

در این دوره سیاست خارجی ایران از یک سو تحت تأثیر شور انقلابی و شعار صدور انقلاب و مطالبات تجدیدنظرطلبانه انقلاب اسلامی بود. بر این اساس،

^۲ - Hetronomy

1

همکاری خلیج فارس را در تقابل با ایران تأسیس کردند و سیاست سخت‌گیرانه علیه حجاج ایرانی در پیش گرفتند. در جنگ نفت‌کش‌ها، به صدور نفت عراق پرداخته و در سطح نظام بین‌الملل و مجامع بین‌المللی علیه ایران فعال بودند. در سال ۱۳۶۳ اتباع یمنی یک فروند هواپیمای سعودی را ربوده و به ایران آوردند. رفتار مسئولان ایرانی در این خصوص مواضع خصمانه‌ی سعودی‌ها را نسبت به ایران تغییر داد؛ در نتیجه روابط دو کشور به هم نزدیک و از وضعیت بحران خارج شد. وزرای خارجه‌ی دو کشور به پایتخت‌های همدیگر سفر کردند و مذاکرات دوستانه‌ی مقامات دو کشور موجب افزایش قیمت نفت شد؛ اما این وضعیت دوامی نداشت و پس از زمان کوتاهی بحران بر روابط دو کشور حاکم شد. سعودی‌ها در سال ۱۳۶۵ گروهی از حجاج ایرانی را بازداشت و در سال ۱۳۶۶ تعداد ۲۷۵ نفر از حجاج ایرانی را قتل‌عام کردند. در مقابل، تظاهرکنندگان خشمگین ایرانی سفارت عربستان را اشغال و کاردار سفارت را به قتل رساندند (heinrich, 2016) و واکنش به این حادثه، سعودی‌ها روابط خود را تا سال ۱۳۷۰/۱۹۹۱ با ایران قطع کرده و سهمیه‌ی نفت خود را به قصد ضربه‌ی اقتصادی به ایران افزایش دادند؛ در نتیجه قیمت نفت سقوط کرد (امیرزاده، ۱۳۹۳: ۴۲).

۴،۳ ضرورت توسعه، محافظه‌کاری و مدیریت بحران

پایان جنگ ایران و عراق، سیاست عمل‌گرایانه‌ی هاشمی رفسنجانی در جهت بازسازی خسارت جنگ تحمیلی و توسعه‌ی اقتصادی و ترجیح دادن منافع اقتصادی بر منافع معطوف به نظم جهانی و ایدئولوژیکی، زمینه‌ی شکل‌گیری گفتمان واقع‌گرایی را فراهم کرد. در این شرایط، هاشمی رفسنجانی بحث تغییر الگوی صدور انقلاب را مطرح کرد و درصدد ایجاد روابط دوستانه با همسایگان برآمد. از طرف دیگر، در ۱۳۶۸/۱۹۹۸ ملک فهد قابل‌حل‌بودن تمام اختلافات با ایران را مطرح کرد (امیرزاده، ۱۳۹۳: ۴۳). اقدام سنجیده‌ی ایران در

امام خمینی (ره) نظام‌های پادشاهی منطقه، به‌ویژه دولت سعودی را فاسد، غیر اسلامی و طرفدار آمریکا خواند و به باد انتقاد گرفت. از دیدگاه سعودی‌ها، این به معنای سیاست فراخوان سرنگونی رژیم‌های پادشاهی عرب که از قم و تهران صادر شده، تلقی گردید (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴). ازسوی دیگر، مهندس بازرگان با طرح یک گفتمان واقع‌گرایی لیبرال، منافع ملی رئالیستی را در سیاست خارجی دنبال می‌کرد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۰) و انقلاب اسلامی را یک انقلاب ملی و برپایه‌ی عدم مداخله در امور دیگر کشورها تعریف کرده و گسترش و تعمیق روابط با کشورهای مسلمان و عرب و همسایه را در اولویت سیاست خارجی قرار داده بود تا با تشنج‌زدایی و اعتمادسازی به رفع نگرانی آن‌ها در زمینه‌ی صدور انقلاب بپردازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۳۰۹). در مقابل، سعودی‌ها نیز یک رویه‌ی دوگانه در پیش گرفته، از یک سو از ترس تسری انقلاب به آن کشور، از هرگونه اظهار نظر صریح درباره‌ی حوادث ایران خودداری کرده و سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفته بودند و ازسوی دیگر، محرمانه درصدد انجام طرح‌هایی برای کنترل خطرات احتمالی انقلاب اسلامی بودند (اخوان کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۲۲). در این دوره، با افتتاح دفتر جبهه‌ی آزادی‌بخش شبه‌جزیره‌ی عرب در تهران و آغاز قیام‌های جهیمان العتیبی و شیعیان عربستان، مقامات و رسانه‌های دو کشور، تنش گفتاری منازعه‌آمیز را علیه همدیگر آغاز کردند.

۴،۲ تثبیت گفتمان انقلابی و

تجدیدنظرطلب و عود شدن بحران

در این دوره، دولت موقت سقوط می‌کند، عناصر انقلابی بر مسند امور مسلط می‌شوند و گفتمان اسلام‌گرایی انقلابی با دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرایی امت‌محور و آرمان‌گرایی مرکز‌محور شکل می‌گیرد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۲). از این رو، اسلام سیاسی و انقلابی به‌عنوان دال مرکزی گفتمان‌ها و اصل تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی تعریف شد. لذا شعار صدور انقلاب به‌طور جدی‌تر دنبال گردید. در مقابل، سعودی‌ها به حمایت همه‌جانبه از عراق پرداختند و شورای

همکاری نزدیک داشتند. روابط دوستانه‌ی دو کشور به گونه‌ای بود که سعودی‌ها از همراهی با آمریکا علیه ایران در جریان بمب‌گذاری پایگاه نظامیان آمریکایی در الخبر خودداری و برخلاف نظر آمریکا، به‌طور پیوسته روابطش را با ایران توسعه و گسترش داد (cordesman, 2001:2) تا این دوره به عصر طلایی روابط دو کشور مشهور شود. اما مسأله‌ی هسته‌ای ایران، سقوط صدام و به قدرت رسیدن شیعیان و نفوذ ایران در عراق، ازجمله مسائلی بودند که نگرانی عربستان را در پایان این دوره فراهم کرده بود.

۴٫۴ نوانقلابی‌گری و اعاده‌ی بحران‌های منطقه‌ای

این دوره با ریاست جمهوری احمدی‌نژاد با گفتمان انقلابی‌گری و تجدیدنظرطلبی و رقابت و بدبینی مفرط سعودی‌ها نسبت به فعالیت‌های منطقه‌ای ایران آغاز می‌شود. احمدی‌نژاد با گفتمان تقابلی و تهاجمی علیه آمریکا و حضور منطقه‌ای این کشور، موجودیت اسرائیل و مسأله‌ی هلوکاست، نهادهای بین‌المللی، گفتمان نوانقلابی‌گری را در سیاست خارجی تثبیت کرد. ازطرفی سعودی‌ها تحت تأثیر گفتمان‌های ایران‌هراسی، هلال شیعی و موضوعاتی از قبیل مسأله‌ی هسته‌ای ایران، شکست اسرائیل در مقابل حزب الله لبنان و تشکیل دولت لبنان توسط حزب الله، نفوذ رو به گسترش ایران در عراق، سوریه، لبنان و سایر مناطق خاورمیانه، دست به واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران زدند. سعود الفیصل وزیر امور خارجه‌ی سعودی با سخنان تند، ایران را به مدیریت جنگ داخلی لبنان متهم کرد. ملک عبدالله از آمریکا می‌خواهد به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند (huang, 2016:16). سعودی‌ها همچنین علیه حزب الله لبنان موضعگیری سرسختانه‌ای کرده و ایران را متهم به امور داخلی اعراب کردند. در بهار عربی موضع متعارض با ایران اتخاذ و تلاش‌های همه‌جانبه برای سرنگونی دولت سوریه و عراق که از متحدین ایران بودند، اعمال شد و به جنگ‌های نیابتی علیه ایران روی آوردند و بر

محکومیت تهاجم نظامی عراق به کویت در ۱۳۶۹/۱۹۹۰زمینه‌ی نزدیکی عربستان را (به ایران) که در معرض تجاوز صدام بود، فراهم کرد. با اقدامات اعتمادساز دولت ایران و تمایل مقامات سعودی به گشایش روابط، در ۱۳۷۰/۱۹۹۱سفارت دو کشور در تهران و ریاض بازگشایی شد. در دسامبر همان سال، هاشمی رفسنجانی با عبدالله ولیعهد عربستان در جریان ششمین کنفرانس سران اسلامی در سنگال ملاقات دوستانه داشت. متعاقب آن فصل جدیدی در روابط دو کشور آغاز شد. به‌نحوی که کنش‌های کلامی دوستانه شکل گرفت و پادشاهی سعودی روابط خود را با شیعیان این کشور بهبود بخشید و عفو عمومی و بازگشت تبعیدهای آن‌ها را در ۱۳۷۲/۱۹۹۳ اعلام کرد (Matthiesen:2015:1) و سیاست تنش‌زدایی بر روابط دو کشور حاکم شد. انتخاب محمد خاتمی در ۱۳۷۶ به‌عنوان رئیس‌جمهور با گفتمان صلح‌گرایی مردم سالار، با کنش‌های کلامی دوستانه دو طرف مواجه گردید؛ درنتیجه روابط دوستانه برقرار شد. در همین سال، امیر عبدالله ولیعهد سعودی در اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران شرکت کرد. او بالاترین مقام سعودی بود که از زمان پیروزی انقلاب به ایران سفر کرد و از نقش و جایگاه تاریخی ایران تمجید کرد. در ۱۳۷۶/۱۹۹۷ وزیر نفت دو کشور به‌منظور حفظ قیمت نفت به توافق رسیدند. در ۱۳۷۷/۱۹۹۸عربستان سهمیه‌ی حجاج ایرانی را افزایش داد در همان سال توافق‌نامه‌ی جامع همکاری بین ریاض و تهران در زمینه‌ی اقتصاد، فرهنگ و ورزش منعقد شد. در ۱۳۷۸محمد خاتمی به ریاض سفر کرد و ملک فهد سوار بر صندلی چرخدار در فرودگاه از او استقبال کرد (huang, 2016:17). این سفر به‌عنوان نقطه‌ی عطف در روابط دو کشور محسوب می‌شود. در آوریل ۱۳۸۰توافق‌نامه‌ی امنیتی بین دو کشور امضا شد، بر این اساس دو کشور روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را تعریض و تعمیق بخشیدند. در این شرایط، سعودی‌ها از برنامه‌ی هسته‌ای ایران دفاع کردند و در ۱۳۸۴ جهت کاهش تولید نفت با هم

موضع‌گیری شورای همکاری خلیج فارس مبنی بر مالکیت امارات بر جزایر سه‌گانه، همچنین متهم کردن ایران به مداخله در بحرین و به اتهام ترور سفیر آن کشور در آمریکا از ایران شکایت کرده و در بحران‌های عراق، سوریه به جنگ نیابتی روی می‌آورند و در موضع‌گیری شورای همکاری خلیج فارس در بحث جزایر سه‌گانه نقش پررنگی بازی کرده، سپس دست به اعدام ۱۸ نفر از اتباع ایران به جرم قاچاق مواد مخدر می‌زنند (Sanei, 2012) این دوره با اوج تنش‌های کلامی و جنگ‌های نیابتی به اتمام می‌رسد.

۴/۵ پارادوکس اعتدال‌گرایی و مخاطره‌آفرینی

این دوره با انتخاب حسن روحانی با شعار اعتدال و توسعه و گفت‌وگو با واکنش کلامی مثبت مقامات و رسانه‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی همراه بود. روحانی اولویت سیاست خارجی‌اش را تقویت روابط دوستانه با همسایگان به‌ویژه عربستان اعلام کرد. ملک عبدالله از اولین رهبران سیاسی بود که به حسن روحانی تبریک گفت و روحانی در نخستین نشست خبری‌اش در ۲۷ خرداد ۱۳۹۲ عربستان را برادر خواند و از تعمیق و گسترش روابط سیاسی با این کشور استقبال کرد. اما از آنجایی که سعودی‌ها از گسترش نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران در هر سطحی، احساس تهدید می‌کردند با حمایت غربی‌ها خواستار توقف نفوذ و افزایش قدرت ایران و متحدین منطقه‌ای ایران بوده، بر این اساس به رفتارهای مخاطره‌آمیز در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دست زدند و در بحران سوریه علیه ایران و گروه‌های متحد ایران از جمله حزب‌الله لبنان و کتایون عراق به هر اقدامی دست زدند. در مسأله‌ای هسته‌ای میلیون‌ها دلار صرف لابی‌گری در کنگره‌ی آمریکا علیه برنامه و مذاکرات هسته‌ای ایران کردند (Huang, 2016: 16). سعودی‌ها که از دشمنی ایران با آمریکا به عزیزدانه‌ی آمریکایی‌ها تبدیل شده‌اند، از توافق هسته‌ای و نزدیکی ایران با آمریکا و سایر کشورهای غربی

هول‌وهراس داشته و با اعلام محدود کردن نفوذ ایران با ائتلافی منطقه‌ای و با حمایت غربی‌ها، به حوثی‌های یمن حمله کردند. سایر موضوعاتی که در این دوره بحران را بیش از پیش تعمیق بخشیدند و دو کشور را در آستانه‌ی رویارویی نظامی و جنگ لفظی قرار دادند عبارت‌اند از: افزایش تولید و صادرات نفت سعودی‌ها، بی‌حرمتی به حجاج ایرانی، نزدیکی و همکاری با اسرائیل، حمایت سعودی از تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران، اعدام شیخ نمر روحانی سرشناس شیعی (با هدف تحریک ایران)، و حمله به سفارت و کنسولگری عربستان در تهران و مشهد و هدف قرار دادن تأسیسات نفتی آرامکو و تداوم جنگ‌های نیابتی در سوریه، عراق و یمن.

به‌طور کلی، از بررسی روند تاریخی روابط دو کشور چنین برمی‌آید که اساس مناسبات دو کشور نه براساس همکاری‌های پایدار، بلکه عمدتاً براساس بحران و عودشوندگی بحران پیش رفته است، از این‌رو، چنین به نظر می‌رسد که بیماری عمیقی بر روابط دو کشور سایه انداخته که شیمی‌درمانی جراحان (سیاستمداران محافظه‌کار) صرفاً برای مدت کوتاهی علائم این بیماری بدخیم را کنترل می‌کند، اما پس از مدت کوتاهی، سلول‌های بدخیم مجدداً عود کرده و روابط دو کشور را با وضعیت بحران مواجه می‌سازند.

۵ ساخت اجتماعی و هویتی متضاد و عودشدن بحران در روابط ایران و عربستان

در این بخش درصدد هستیم تا با استفاده از سامانه‌ی ساخت اجتماعی و هویتی و کنش‌گفتاری، عودشوندگی بحران را تبیین و تحلیل نماییم و نشان دهیم که چگونه ساخت اجتماعی و هویتی متضاد دو کشور، واقعیت‌ها و معناهای منازعه‌آمیز را برمی‌سازد و این عوامل نیز تنش‌های گفتاری مخاصمه‌آمیز را تولید و بازتولید می‌کند و هریک از این‌ها به‌نوبه‌ی

اساساً مخالف پادشاهی بوده و سلطنت از ابتدا نادرست و غلط بوده است. تعارض و تضاد هنجاری و کنشی نظام‌های سیاسی ایران و عربستان، پس از انقلاب اسلامی به‌ویژه در دهه‌ی اول انقلاب کاملاً مشهود و محسوس بوده است و موجب تنش‌های گفتاری منازعه‌آمیز و بحران شده است.

۵/۱/۳ انقلابی‌گری و تجدیدنظرطلبی

انقلابی‌گری و تجدیدنظرطلبی یکی از عناصر بسیار مهم ساخت اجتماعی و هویتی جمهوری اسلامی ایران است. از این منظر است که جمهوری اسلامی، هم به دنبال بن‌افکنی نظم و نظام بین‌الملل موجود بوده و هم در تکاپوی ایجاد نظم و نظام مطلوب منطقه‌ای و بین‌المللی است. از این‌رو، بدیهی به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی براساس عنصر انقلابی‌گری و تجدیدنظرطلبی منافع و سیاست خارجی خود را ترسیم می‌کند و سعودی‌ها نیز برپایه‌ی محافظه‌کاری منافع خود را تعریف می‌کنند. درواقع، همه‌ی بازیگران نظام بین‌الملل براساس اینکه کیستند و چیستند منافع و کنش‌های سیاست خارجی خود را تعیین می‌کنند. بدیهی است که سعودی‌ها با یک نظام محافظه‌کار، متصلب و ایستا، نظام‌های انقلابی و تجدیدنظرطلب را تهدید و دشمن فرض می‌کنند بدین معنی، از دو نظام مذکور، منافع و تعاملات همسو تولید نخواهد شد؛ بلکه آنچه از دو نظام متضاد زاییده می‌شود، تعارض، تضاد و ناهمسویی نسبت به مسائل مختلف است. بنابراین، مسأله‌ای که برای یکی تهدید است برای دیگری فرصت تلقی شده و بالعکس.

۵/۱/۴ صدور انقلاب

خصیصه‌ی صدور ایده‌ها و ارزش‌های انقلاب یکی از ویژگی‌های انقلاب‌های بزرگ بوده که در دو سنت لیبرالیسم و مارکسیسم یعنی انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ و انقلاب بلشویکی روسیه در ۱۹۱۷م سابقه دارد، اما خصیصه‌ی صدور انقلاب به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بنیادین انقلاب اسلامی، بیش از آنکه برگرفته از استراتژی انقلاب‌های مذکور باشد، برپایه‌ی باور به جهانگرایی اسلام و سازه‌های

خود زمینه را برای عودشوندگی بحران فراهم می‌کنند.

۵/۱ ساخت‌های اجتماعی و هویتی جمهوری اسلامی ایران

۵/۱/۱ اسلام سیاسی

اسلام سیاسی مهم‌ترین ژرف‌ساخت اجتماعی و هویتی انقلاب اسلامی است. از این‌رو، درک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدون توجه به این عنصر امکان‌پذیر نمی‌باشد. بدین معنی، جمهوری اسلامی بر مبنای مجموعه‌ای از ایده‌ها و آرمان‌های اسلام سیاسی شیعی شکل گرفته و تداوم یافته است، بنابراین اولین و مهم‌ترین عنصر هویتی ملی ایران و جمهوری اسلامی، اسلام شیعی است (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۲۰۷) جمهوری اسلامی ایران، خودش را با این عنصر هویتی می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. منافع ملی، نوع و نحوه‌ی تعامل ایران با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برپایه‌ی ارزش‌ها، معناها و واقعیت‌هایی است که این ژرف‌ساخت اجتماعی و هویتی تعریف، تعیین و تجویز می‌کند. بدین معنی، سیاست خارجی ایران تابع این ژرف‌ساخت بوده و برهمکنش‌های خارجی ایران در مسائل مختلف، با توجه به آن ترسیم می‌شود. درواقع، اسلام سیاسی شیعی تعیین می‌کند که جمهوری اسلامی با کدام بازیگر چه رابطه داشته باشد و با کدام بازیگر رابطه نداشته باشد.

۵/۱/۲ نظام سیاسی ولایت فقیه، دکترین

حاکمیت سیاسی و اجتماعی فقها

از منظر امام خمینی، نظام ولایت فقیه در عصر غیبت، تنها نظام سیاسی مشروع و مقبول است. وی در این خصوص بیان می‌دارد: «جز سلطنت خدایی، همه‌ی سلطنت‌ها برخلاف مصلحت مردم بوده و «جور» است و جز قانون خدایی، همه‌ی قوانین باطل و بیهوده است» (امام خمینی، کشف‌الاسرار، ص ۱۸۵-۱۸۷). در این بیان، نظام ولایت فقیه، تدوam رسالت انبیا و ائمه‌ی اطهار و مبین سلطنت خدا است. از دیدگاه ایشان، اسلام

اعتقادی و فکری امام خمینی و حلقه‌ی نخبگان نزدیک به ایشان شکل گرفته و ساخت پیدا کرده است. درواقع، امام خمینی (ره) نقشه‌ی راه جهانگرایی اسلامی را در رویکرد صدور انقلاب ترسیم کرد؛ ازاین‌رو، ایشان انقلاب ایران را منحصر به مردم ایران نمی‌داند و آن را آغاز انقلاب بزرگ اسلام می‌داند (فولر، ۱۳۷۳، ۳۱۰). این در حالی است که رژیم پادشاهی و محافظه‌کار سعودی از هر مدل و مفهومی که موجب تغییر و تحول شود، احساس ترس و تهدید داشته و دارد. ازاین‌رو، موضوع صدور انقلاب، تنش‌های کلامی شدیدی بین دو کشور ایجاد کرد و درواقع زمینه را برای روابط منازعه‌آمیز فراهم نمود.

۵/۱/۵ آمریکاستیزی و مخالفت با غرب

یکی از مهم‌ترین اصول پیدایش انقلاب اسلامی و عناصر ساخت اجتماعی آن، ضدآمریکایی بودن آن است. درواقع، آمریکاستیزی، یکی از ژرف‌ساخت‌های اجتماعی و هویتی و چراغ راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. این در حالی است که عربستان از چندین دهه‌ی پیش، سیاست پیروی از آمریکا را دنبال کرده است. هویت ضد آمریکایی بودن ایران و هویت پیرو بودن عربستان، دو معنای متضاد از آمریکا بر ساخته است. ازاین‌رو، آمریکا برای عربستان دوست تعریف شده و تبعاً رفتارهای این کشور برای سعودی‌ها امنیت تلقی می‌شود؛ اما آمریکا برای ایران، دشمن شناخته شده و حضور و رفتار آمریکا در منطقه تهدید تعریف می‌شود. ازاین‌رو، آمریکاستیزی ایران و آمریکاخواهی عربستان اولاً موجب، تنش‌های گفتاری دو کشور و در ثانی رویکردهای متفاوت و متضادی در سیاست خارجی آن‌ها ایجاد کرده و بستر تنش و تعارض را در روابط ایران و عربستان فراهم کرده است.

۵/۱/۶ یاریگری جنبش‌های آزادی‌بخش

یاریگری و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش یکی از خصیصه‌های بنیادی انقلاب اسلامی بوده که از ابتدا با اعلام حمایت از جنبش آزادی‌بخش فلسطین

به‌عنوان نماد جنبش‌های آزادی‌بخش جهان، این عنصر هویتی را در سیاست خارجی خود برجسته کرد. ازاین‌رو، در ۱۳۵۸ یاسر عرفات را به‌مثابه‌ی یک قهرمان مورد استقبال قرار داد (Cooley, 1979: 1017). درواقع، جمهوری اسلامی حمایت از نهضت‌ها به‌ویژه نهضت فلسطین را به‌عنوان یک خصیصه‌ی الهام‌بخش و یک کلیدواژه‌ی معنایی جهان اسلام مد نظر داشته و دارد. سعودی‌ها نیز با رویکرد متفاوت، خود را مدافع انحصاری نهضت فلسطین پنداشته و به این مسأله واقف‌اند که افکار عمومی جهان اسلام و عرب، ایران را به‌عنوان قهرمان دفاع از فلسطین می‌شناسند؛ نه سعودی‌ها را. بنابراین، آن‌ها از قهرمان‌سازی ایران در نهضت فلسطین و حمایت از نهضت شیعیان سعودی نیز واهمه داشته و بخشی از سیاست‌های خود را در خنثی‌سازی تلاش‌های ایران به کار می‌گیرند که این موضوع زمینه‌ی لازم را برای برساختن تنش‌های کلامی و بحران در روابط آن‌ها فراهم می‌سازد.

۵/۱/۷ الهام‌بخش و رهبر جهان اسلام

براساس دکترین «ام‌القری»، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با خصیصه‌های بنیادین متضاد، به سپهر و ساحت الهام‌بخشی جهان اسلام چشم دوخته، هریک از آن‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص خود، «طرحواره‌ای» در خودپیشوایی جهان اسلام بر ساخته و تا حدودی درونی ساخته‌اند و سیاست خارجی خود را براساس این عنصر هویتی طراحی و ترسیم کرده و در تلاش و تکاپو برای کسب این جایگاه، متقارن با حوزه‌های نفوس و نفوذ هم‌دیگر بوده‌اند؛ ازاین‌رو، سوگیری راهبردها و رویکردهای سیاست خارجی دو کشور، برپایه‌ی این عنصر صورت گرفته و زمینه را برای رقابت، تعارض و تقابل در روابط ایران و عربستان محیا می‌سازد.

۵،۲ ساخت‌های اجتماعی و هویتی عربستان

۵،۲،۱ نظام پادشاهی یا پاتریمونیالیزم

اولین و مهم‌ترین ژرف‌ساخت اجتماعی و هویتی عربستان سعودی، ساخت نظام پاتریمونیالیزم یا پادشاهی (Rasheed, 2005: 189) آل سعود است. در این نظام، مراکز قدرت، ثروت، قاعده و قانون همه در پادشاه و خاندان سعود خلاصه می‌شوند. این نظام آخرین نوع حکومت از این گونه بر روی زمین است. نظام سیاسی پادشاهی در تعیین و جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور نقش اصلی را دارد. در این خصوص، کارن هاوس معتقد است که سیاست خارجی عربستان حول یک محور هدایت می‌شود و آن بقای آل سعود است (هاوس، ۲۰۱۰: ۱۳۹۴). نظام سیاسی آل سعود، با مشروعیت بخشی اسلام سنتی وهابی، در تقابل و تضاد با نظام ولایت فقیه و حاکمیت فقها قرار داشته که معناها و واقعیت‌های ناهمخوان را تولید و یک نوع فرهنگ هابزی را بر روابط دو کشور حکفرما ساخته‌اند.

۵،۲،۲ اسلام سنتی وهابی

وهابیت به‌عنوان تنها تفسیر اسلام و دکنترین معنوی آل سعود دومین ژرف ساخت اجتماعی و هویتی و مهم‌ترین منبع مشروعیت بخش نظام پادشاهی سعودی است. نقش وهابیت در شکل دادن به پادشاهی سعودی به حدی است که یک هویت متمایز از هویت سایر کنشگران نظام بین‌الملل به ذهن متبادر می‌کند.

ابن تیمیه سرسلسله‌ی وهابیت در آثار خود شیعیان را مرتد دانسته و تکفیر می‌کند (Ibrahim, 2006: 20). بر این اساس، ایدئولوژی وهابیت یک ایدئولوژی ایران‌ستیز به‌عنوان مرکز تشیع بوده و هست و نقش یک «دراکولای خون‌آشام» علیه ایران و شیعیان را دارد و جامعه‌ی سعودی غالباً از منظر این ایدئولوژی دگرستیز ایران را می‌شناسد. به عبارتی، وهابیت به همراه قومیت

عرب، موتور معنا‌ساز و مهم‌ترین ملاک و معیار برای تعریف ایران به‌عنوان دشمن است و به انحای مختلف این دشمنی را بازنمایی می‌کند. از این گذشته، وهابیت به‌عنوان دکنترین معنوی آل سعود و منبع مشروعیت بخش این رژیم، یکی از منابع مؤثر رژیم سعودی در سیاست‌گذاری خارجی و به‌ویژه در ارتباط با ایران است. لذا چنین به نظر می‌رسد تا زمانی که این روند در جریان است، چشم‌اندازی به غیر از عودشوندگی بحران در روابط دو کشور غیر قابل تصور است.

۵،۲،۳ دولت محافظه‌کار

پادشاهی عربستان سعودی یکی از منحصربه‌فردترین حکومت‌های محافظه‌کار و هویت‌گرا در جهان است. این کشور ثروتمند براساس اصولی اداره می‌شود که مدت‌هاست جهان این اصول را پشت سر گذاشته است این نظام سیاسی پاتریمونیالیزم پادشاهی (Rasheed, 2005: 189) مخالف کم‌ترین تغییر و دگرگونی است و هرگونه تغییر را تهدید تلقی می‌کند. ازطرفی جمهوری اسلامی ایران یک دولت انقلابی بوده که استراتژی بن‌افکنی را در نظام بین‌الملل دنبال می‌کند. بدین معنی دو کشور از دو ژرف ساخت متضاد و هم‌ستیز برخوردار بوده که گفتمان‌ها، کنش‌های کلامی و منافع و رویکردهای سیاست خارجی‌شان براساس این ژرف‌ساخت‌ها شکل گرفته و تداوم پیدا کرده است. پرواضح است که از این ژرف‌ساخت‌ها، تنش‌های گفتاری، منافع و رهیافت‌های سیاست خارجی ناهمسو و منازعه‌آمیز شکل گرفته و برآیند این وضعیت، بحران و عودشوندگی بحران است.

۵،۲،۴ ام‌القری و الهام‌بخش جهان اسلام

عربستان زادگاه پیامبر اسلام و دین اسلام است. مقدس‌ترین اماکن اسلامی یعنی کعبه و مسجدالنبی در این کشور واقع شده‌اند و بسیاری از مسلمانان جهان (سنی) احترام خاصی برای این کشور قائل‌اند. ازطرفی، توانمندی اقتصادی این کشور به‌واسطه‌ی دلارهای نفتی، این ذهنیت را برای حاکمان سعودی

(هاوس، ۱۳۹۴: ۲۰۳). این در حالی است که یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های ماهیتی انقلاب اسلامی ضدیت با آمریکا بوده، این موضوع اگرچه اتحاد استراتژیک آمریکا و عربستان را استحکام بخشیده و جایگاه ریاض را در نظام بین‌الملل تقویت نموده است، اما به‌نوبه‌ی خود، یکی از دلایل بحران در روابط ایران و عربستان شده است. آمریکا واقعیتی است که برای ایران و عربستان دو معنای متضاد و دو پنداره‌ی معکوس برمی‌سازد. آمریکا برای عربستان دوست تعریف شده و رفتارها و حضورش در منطقه به معنای امنیت است؛ اما آمریکا برای ایران دشمن تلقی می‌شود و رفتار و هر گونه حضورش در منطقه تهدید معنا می‌دهد. ازاین‌رو، سیاست‌های دو کشور در ارتباط با ایالات متحده مسأله‌ساز و بحران‌زا بوده است.

۵/۲/۷ زبان و عربیت

عربیت و قبیله‌گرایی هسته‌ی اصلی هویت اجتماعی عربستان است. رژیم آل سعود از عناصر هویتی زبان، قومیت، تاریخ و فرهنگ عربی در تقابل با کشورهای غیرعرب، به‌ویژه ایران بهره گرفته است. بدین معنی، ایران همواره به‌عنوان کشوری غیرعرب در جغرافیای اعراب به‌مثابه‌ی هویتی متمایز مطرح شده است (Browning, 2008: 67). سعودی‌ها با تأکید بر هویت قومی عربی به دوگانگی و بیگانگی هویت فارس و عرب و تقابل این دو می‌پردازند. ازاین‌رو، نظام اجتماعی دو کشور براساس تضاد زبانی، قومی و فرهنگی شکل گرفته، درنتیجه صورت‌بندی فرهنگی و گفتاری دو کشور بر عدم هم‌تافتی و هم‌خوانی و به گونه‌ای دشمنی برساخته شده است که این باور در هر وضعیتی بازتولید می‌شود و این فرایند به‌نوبه‌ی خود زمینه را برای جهت‌گیری‌های منازعه‌آمیز فراهم می‌کند.

در جدول ذیل، تضاد و تعارض ژرف‌ساخت‌های اجتماعی و هویتی ایران و عربستان نمایش داده شده تا درک خوانندگان از تولید و تداوم منازعه و عودشوندگی بحران در روابط دو کشور آسان‌تر شود.

برساخته است که الهام‌بخش و ام‌القرای جهان اسلام هستند؛ درحالی‌که انقلاب اسلامی طرح خودپیشوایی سعودی را نه‌تنها زیر سؤال برد؛ بلکه اسلام سعودی را اسلام آمریکایی خواند که شایسته‌ی مدیریت اماکن اسلامی را ندارد. ازاین‌رو، رقابت بر سر پیشوایی و ام‌القرای جهان اسلام بستری برای تقابل و سیاست مواجهه‌جویانه و تنش‌های لفظی دو کشور را فراهم نموده که در برساختن بحران مؤثر عمل کرده است.

۵/۲/۵ نفت و سیاست‌های نفتی

نفت کلید توسعه‌ی تمدن امروزی محسوب می‌شود. نفت از یک سو عامل ثروت است که قابلیت تبدیل به سایر عناصر قدرت را دارد و ازسوی دیگر، عامل تحرک در عرصه‌ی سیاست بین‌الملل. به عبارت دیگر، نفت موتور صنعت، عامل قدرت و سوخت سیاست است (نادری، ۱۳۸۸: ۶۱). دنیای بدون نفت برای تمدن امروزی غیرقابل‌تصور است. دو کشور ایران و عربستان دارای بزرگ‌ترین ذخایر این ماده‌ی حیاتی در دنیا بوده که از پیروزی انقلاب اسلامی جز در موارد استثنایی دو استراتژی متضاد در تولید و قیمت نفت در دستور کار داشته‌اند سیاست‌های نفتی دو کشور گرچه تابع ژرف‌ساخت‌های اجتماعی و هویتی و تنش‌های گفتمانی است، به‌نوبه‌ی خود زمینه‌ساز تعارض و بحران بوده است. سعودی‌ها پس از انقلاب اساساً از نفت به‌عنوان سلاح استراتژیک علیه ایران بهره گرفته‌اند.

۵/۲/۶ وابستگی به غرب

در سال ۱۹۴۳ در عرصه‌ی «ناو کوئینسی» در قاهره با یک دست دادن ساده بین روزولت رئیس جمهور ایالات متحده و ملک عبدالعزیز پادشاه سعودی، پیوندی بین دو کشور به وجود آمد که تاکنون ادامه داشته است، اساس این پیمان ماندگار، پیوند نفت و امنیت بود. بدین معنی که عربستان نفت آمریکا و کشورهای همسو با اقتصاد آمریکا را تأمین می‌کند و در عوض آمریکا امنیت داخلی و خارجی عربستان را. بر این اساس عربستان بیش از پنجاه سال است که برای حفظ بقای خود به آمریکا متکی است

جدول ۱ تعارضات ساخت اجتماعی و هویتی

عناصر و ژرف‌ساخت‌های اجتماعی و هویتی پادشاهی عربستان سعودی	عناصر و ژرف‌ساخت‌های اجتماعی و هویتی جمهوری اسلامی ایران
اسلام سنتی با قرائت وهابی	اسلام سیاسی با قرائت شیعی
نظام پاتریمونیالیزم (پادشاهی موروثی)	نظام سیاسی ولایی- فقه‌ای
محافظه‌کاری و حفظ وضع موجود	انقلابی‌گری و تجدیدنظرطلبی
وابسته به آمریکا و غرب	ضدیت با آمریکا و غرب
صلح با اسرائیل	ستیز با اسرائیل
پان عربیسم	ایران‌گری تاریخی
رهبر و الهام‌بخش جهان اسلام	رهبر و الهام‌بخش جهان اسلام
مخالف هرگونه رویکرد انقلابی	ادرکننده انقلاب
حج عبادی با قرائت اسلام سنتی	حج انقلابی با قرائت اسلام سیاسی

منبع: یافته‌های تحقیق حاضر

۶ تنش‌های کلامی ایران و عربستان

و تنش‌های کلامی نیز به‌نوبه‌ی خود، بخشی از گستره و دلایل عودشوندگی بحران را فراهم ساخته‌اند. درحالی‌که در رژیم گذشته، اساساً سپهر سیاسی و ضرورت‌های استراتژیک دو کشور با محوریت پرهیز از تنش و تعارضات کلامی سامان یافته بود. اما از آنجایی‌که انقلاب ایران دارای ماهیت اسلامی بود، رهبر فقید انقلاب رسالت جهانی برای انقلاب قائل بود. لذا مبارزه با استکبار غرب، به‌ویژه آمریکا و دول وابسته به آن و صدور انقلاب و حمایت از مسلمانان از اهداف فراملی انقلاب بود. عربستان با ویژگی‌های خاص خود مورد توجه رهبر انقلاب بود،

همان‌طوری‌که بیان شد تنش‌های گفتاری و کلامی کنشگران نظام بین‌الملل از دلایل و عوامل زمینه‌ساز بحران در روابط بین‌الملل به شمار می‌رود. ایران و عربستان از اوایل انقلاب اسلامی تاکنون به وضعیت هترونومی و تنش‌های کلامی و گفتاری مبتلا شده‌اند. به عبارتی تضاد ژرف‌ساخت‌های اجتماعی و هویتی، فضا را برای نخبگان سیاست و دیانت دو کشور، جهت کنش‌های کلامی مخاصمه‌آمیز تسهیل ساخته

لذا ابتدا با توصیه و سپس با انتقاد تند و فاسد خواندن سران سعودی به مخالفت با نظام پادشاهی پرداخت. ازطرفی، بحث صدور انقلاب و افتتاح دفتر آزادی‌بخش شبه‌جزیره در تهران و وقوع قیام‌های داخلی عربستان که متأثر از آرمان‌های انقلاب بودند، موضعگیری‌های تند مقامات و رسانه‌های دولت سعودی را به دنبال داشت. پس از آن سازمان «رابطه العالم اسلامیه» سعودی، حکم تکفیر امام خمینی (ره) را اعلام کرد (شفیعی، منتظرالقائم و چلونگر، ۱۳۹۶: ۹). بدین ترتیب، جنگ لفظی و تنش‌های کلامی که بر محور امنیت هستی‌شناسی آن‌ها بود در روابط دو کشور شکل گرفت. از آن زمان تاکنون کنش‌های کلامی مخاصمه‌آمیز نخبگان سیاست و دیانت دو کشور، در همه‌ی زمینه‌ها در یک فرایند دامنه‌دار تهاجمی و تدافعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل زمینه‌ساز بحران عمل کرده و در کمترین زمان ممکن به اهداف دامنه‌دار با اولویت و فوریت سیاسی و امنیتی در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده و بحران را تعمیق داده است.

۷ نتیجه‌گیری

ارزش‌ها، هنجارها و ایده‌های نهادینه‌شده در جوامع ایران و عربستان تاروپود باورها و نظام معنایی و همچنین کیستی و چیستی آن‌ها را شکل داده است. ازاین‌رو، واقعیت‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برپایه‌ی پیشینه‌ها، خصیصه‌ها و سنت‌های متفاوت و متضاد برپا شده است. بدین معنی، واقعیت‌ها نه‌تنها هم‌معنا و مشترک نیستند؛ بلکه در تقابل و تباین با هم خلق شده و قوام یافته‌اند و معناهای متضاد تولید و بازتولید می‌کنند. بر این اساس، تصویر و تصور دو کشور از مسائل مختلف جهان، بسیار متفاوت و متمایز بوده، واقعیت‌های ضدونقیض به‌نوبه‌ی خود، بستر و فضای اجتماعی را برای نبود تعامل و فقدان گفت‌و شنود و تنش‌های کلامی نخبگان سیاست و دیانت ایجاد می‌کند و ماحصل آن نبود تعامل و بازاندیشی و برهم‌کنش‌های مسالمت‌جویانه برای

حل مسائلی است که (ظاهراً) به‌طور فزاینده‌ای به شکل معماهای لاینحل در روابط دو کشور ظاهر می‌شوند. درحالی‌که جوامعی که دارای ساخت اجتماعی و هویتی مشترک هستند؛ یعنی از ژرف‌ساخت‌های (سازه‌های تاریخی، فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی) همسان برخوردارند، گفتمان‌های و کنش‌های کلامی سیاست خارجی‌شان منطبق بر فرهنگ کانتی بوده، منافع‌شان موازی و رفتارها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی‌شان نیز دوستانه است. این‌گونه جوامع از تعاملات مطلوب با دستاوردهای خوشایند بهره می‌برند؛ زیرا انگاره‌ها و ارزش‌های مشترک آن‌ها، واقعیت‌های مشاع و مشترک میان آن‌ها را برپا ساخته است. روابط کشورهای انگوساکسن مصداق بارز این‌گونه جوامع است. الگوی حاکم بر روابط ایران و عربستان دقیقاً عکس کشورهای مذکور است. انقلاب اسلامی ایران براساس ارزش‌ها و هنجارهای معکوس در عربستان به وقوع پیوست؛ درنتیجه بسترها و زمینه‌های لازم را برای خلق هنجارها، عناصر و منابع هویتی جدید فراهم کرد و معنای بسیاری از واقعیت‌های آن روز وضعیت معکوس پیدا کرد. امنیت، ثبات، منافع، اهداف، دوست و دشمن، غرب و آمریکا، نظام سیاسی مطلوب، نظم و نظام بین‌الملل و بسیاری از واقعیت‌ها معنا و مفهومی دیگر پیدا کردند. بنابراین، آنچه در جمهوری اسلامی واقعیت تعریف شد، در عربستان امری غیرواقعی تلقی گردید. درحالی‌که دو کشور، قبل از انقلاب اسلامی با ساخت‌های اجتماعی و هویتی مشترک (مانند نظام‌های پادشاهی و محافظه‌کار، اسلام سنتی، وابستگی به آمریکا و غرب، حامی نظم و نظام بین‌الملل، مخالف افراط‌گرایی عربی و انقلابی) از واقعیت‌های مشترک و همسو برخوردار بودند و به‌تبع ساخت اجتماعی و هویتی، منافع و اهداف سیاست خارجی‌شان هموند و هم‌پیوند و درنتیجه کنش‌های کلامی مخاصمه‌آمیز وجود نداشت. از ابتدای انقلاب، ایران و عربستان بسترهای لازم برای معناسازی مشترک واقعیت‌ها را از دست دادند، هریک از آن‌ها از نگاه خاص خود می‌بیند و این نوع نگاه وضعیت ایران یا عربستان را

نیست؛ بلکه براساس سامانه‌ی ساخت اجتماعی و نظریه‌ی سازه‌نگاری، واقعیت‌های مادی پس از ایده‌ها، در رده‌ی دوم اهمیت قرار دارند. بدین معنی، ۵ سلاح هسته‌ای کره شمالی در مقایسه با ۵۰۰ سلاح هسته‌ای بریتانیا خطر بیشتری برای ایالات متحده محسوب می‌شوند؛ چراکه کره شمالی براساس ساخت اجتماعی و هویتی و به تبع تنش‌های گفتاری برای آمریکا دشمن تعریف شده است و بریتانیا دوست. لذا واقعیت‌های مربوط به کلاهک‌های هسته‌ای در مقایسه با سازه‌های اجتماعی و هویتی و تنش‌های کلامی از ارزش و اهمیت کمتری برخوردارند. بنابراین، بایستی تأکید را بر انگاره‌های دولت‌ها و منافعی که این انگاره‌ها به آن شکل می‌دهند، قرار داد. بعد از آن، باید توجه داشت به اینکه چه کسی سلاح و یا چه کسی قدرت و نفوذ بیشتری دارد.

به نظر می‌رسد راهکار برون‌رفت از وضعیت عودشوندگی بحران در روابط ایران و عربستان، بازتعریف اولویت‌های انگاره‌ای و هویتی و پرهیز از تنش‌های کلامی و توجه و تمرکز بر نیازها و ضرورت‌های استراتژیک می‌باشد. و سخن آخر اینکه، از منظر ساخت اجتماعی، آینده از طریق تعامل شکل می‌گیرد و گذشته چراغ راه آینده است.

سبب شده است؛ وضعیتی که بیانگر معمای امنیتی و فرهنگ هابزی است. بر این اساس، آن‌ها همدیگر را به عنوان دشمن تعریف نموده، کنش‌های همدیگر را به مثابه‌ی تهدید تلقی می‌کنند؛ از این رو طی سال‌های گذشته سعودی‌ها در مقابل هر اقدام منطقه‌ای ایران به واکنش‌های مخاصمه‌آمیز و مخاطره‌آمیز دست زدند؛ زیرا آنچه برای عربستان تأمین‌کننده‌ی امنیت و منافع ملی است (مانند حضور آمریکا در منطقه)، برای جمهوری اسلامی تهدید تعریف می‌شود و آنکه برای ایران دوست تعریف شده (حزب‌الله)، برای سعودی‌ها دشمن فرض می‌شود. از این رو، ایده‌ی تقابل و تخاصم بر اندیشه‌ی تساهل و تعامل سیطره یافته و اساساً نگاه دو کشور به همدیگر برپایه‌ی غیریت و تهاجمات کلامی شکل گرفته و روابط دو کشور را بی‌سامان و با بحران‌های پی‌درپی با بن‌بست مواجه ساخته است که در این پژوهش به مثابه‌ی بیماری بدخیم تلقی شده و تلاش‌های نخبگان محافظه‌کار نیز صرفاً نقش شیمی‌درمانی داشته است تا از فراگستری سلول‌های بدخیم جلوگیری شود، اما پس از اندک زمانی سلول‌های بدخیم مجدداً عود کرده و روابط دو کشور را با بحران مواجه می‌سازد.

البته این تحلیل به معنای نادیده گرفتن واقعیت‌های مادی و توزیع توانمندی‌های قدرت مادی

الف: منابع فارسی

- امام خمینی (۱۳۷۸)، **کشف الاسرار**، تهران: مؤسسه‌ی نشر و تنظیم آثار امام خمینی.

-امیرزاده، پوریا (۱۳۹۱)، «چالش‌های عربستان سعودی»، **ماهنامه‌ی همشهری دیپلماتیک**، شماره‌ی ۶۲، صص (۴۲-۴۳).

-برگر، پیتر؛ لاکمن، توماس (۱۳۹۴)، **ساخت اجتماعی واقعیت**، ترجمه‌ی فریبرز مجیدی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

-آرم، آرمینا (۱۳۹۵)، «ایران و عربستان رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه»، **فصلنامه‌ی سیاست**، سال سوم، شماره‌ی ۹، صص ۷۳-۸۱.

-اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۷۹) «واگرایی و همگرایی‌ها در روابط ایران و عربستان»، **فصلنامه‌ی مطالعات خاورمیانه**، سال هفتم، شماره‌ی ۲، صص ۱۱۵-۱۴۲. -ازغندی، علیرضا (۱۳۸۶)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.

-نادری، عباس (۱۳۸۷)، «نفت خاورمیانه و حمله‌ی نظامی آمریکا به عراق»، کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران.

-نورعلی‌وند، یاسر (۱۳۹۵)، «عربستان سعودی و تلاش برای موازنه‌سازی مجدد در برابر ایران»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی**، سال بیستم، شماره‌ی اول، صص ۳۲-۷.

-هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سازمان‌نگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، **فصل‌نامه‌ی سیاست خارجی**، سال هفدهم، شماره‌ی ۴، صص ۹۱۵-۹۴۳.

-هاوس، کان الیوت (۱۳۹۴)، **درباره‌ی عربستان (مردم، گذشته، دین، خطوط گسست و آینده)**، ترجمه‌ی مرتضی رجایی‌خراسانی و فاطمه مهسا کارآموزیان، تهران: انتشارات پیام‌رسان.

-دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۵)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات سمت.

-شفیعی، صادق، منتظرالقائم، اصغر؛ چلونگر، محمدعلی (۱۳۹۶)، «واکاوای روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دهه‌ی نخست پس از پیروزی انقلاب»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های تاریخی**، سال نهم، شماره‌ی یکم، صص ۱-۲۲.

-فولر، گراهام؛ اندریم، ای‌فرانکه (۱۳۸۴)، **شیعیان عربستان مسلمانان فراموش شده**، ترجمه‌ی خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه‌شناسی.

-گرگن، کنث؛ گرگن، مری (۲۰۰۴)، **ساخت اجتماعی، دعوت به گفتگو**، ترجمه‌ی پروین جوادان، اوهایو: انتشارات تاوس.

-مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: انتشارات سمت.

ب: منابع انگلیسی

-Cordsman,Anthony,(2015),**The true nature of the Saudi succession crisis**, Washington DC : center for strategic international studies.

-Dale C. Copeland,(2000), "the constructivist challenge to structural realism", **international security**,vol.25,no.2,pp187-212.

-Huang,Xiaoning,(2016),The Iranian Nuclear Issue and Reginal security:dilemmas,responses and the future

-Jahner,Ariel,(2012),"Saudi Arabia and Iran:Struggle for Power and Influence in the Gulf",**international Affairs Review**,vol.xx,no.3,pp36-50.

Johnk,Cooley,foreign Affairs,at Jstor.org/stable /2004/269

Ibrahim,Fouad,(2006),"**The Shiite's of Saudi Arabia**", London,Sanfrancisco:Saqi press.-

-Jackson,Robert, and Sorensen,(2006),"**Introduction to International Relations and Approaches**",^{3rd} edition,Oxford:University press.

-Rasheed,Madawi,(2005),Circles of Power:Royals and Saudi Society in Saudi Arabia in the Balance, **Jurnal of**

- Political Economy, Society and Foreign Affairs**, London: Hurst and Company Publication.
- Onuf, Nicholas, (1994), "the Constitution of International Society", **European Journal of International Law**, 5, pp1-19.
- Toby, Matthisen, (2015), **Project on U.S Relations with the Islamic World**, at Brookings.edu.
- Smith, Steve, (2001), "**Reflectivist and Constructivist approaches in international theory**", in John Baylis and Steve Smith, *The Globalization of world politics*, Oxford: University Press, pp224-249.
- Spehar, Hravoje & Jerbic, Spehar, (2015), "Speech act theory and the European integration: the Case of the eastern enlargement" *European Studies*, vol1, no1, (33-58).
- Wendt, Alexander, (1992), "Anarchy is what States Make of It: The Social Construction of Power Politics", **international organization**, vol.46, no.2, (391-425).
- Wendt, Alexander, (1999), "**Social Theory of International Politics**", Cambridge: University Press.
- Wendt, Alexander, (1987), "The Agent-Structure Problem in International Relations Theory", **international Organization**, vol.41, no.3, pp335-370.

پ: منابع الکترونیکی

- Heinrich, Maik, 2016/10/, "Troubled history of Saudi Arabia-Iran" relations. at: **Reuters.com/article/ids BRE4COH020140**
- Faraz Sanei, (2020/06/1) "iran-protests-execution-its-own-saudi-arabia" At: **<https://www.hrw.org/news>**